

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه اول

سازمان مدارس راه ایمان خوزستان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته‌باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...)، می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیام‌هایی که بدون این فعالیت‌ها میسر نیست، و البته فراموش نمی‌کنیم که کلاس‌های داستان‌نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم‌کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکان‌مان را هر چه زیباتر، رنگارنگ‌تر و غنی‌تر کنیم و با قدرت داستان‌نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آن‌ها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

شناخت احساس خجالت

پیش از آغاز این درس، لازم به یادآوری است که خجالت در کودکان عیب یا نقص نیست. بلکه ویژگی رفتاری آنهاست. در صورتی که این ویژگی به آنها آسیب می‌زند، با تمرین و بازی آن را اصلاح می‌کنیم. بنابراین خواهشمند است که در این جلسه و جلسه آینده، به این نکته توجه ویژه‌ای داشته باشید.

یک قصه‌ی تصویری با موضوع خجالت با خودتان به کلاس بیاورید. آن را با بچه‌ها مرور کنید و از آنها بخواهید در موردش گفت‌وگو کنند. در این فعالیت، لازم نیست موضوع کلاس را به بچه‌ها القا کنید. اجازه بدهید بچه‌ها دریافت خودشان را از قصه بگویند و مسیر کلاس به سمت موضوع برود.

(قصه‌های این بخش را می‌توانید از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان پیدا کنید)

پس از قصه‌ی فوق از بچه‌ها بخواهید تصویر یک حیوان را روی کاغذ (یا مقوا) نقاشی و رنگ‌آمیزی کنند. پس از آن تصویر را دوربری کرده و یک میله چوبی به آن بچسبانند. (می‌توانند از مدادهای خودشان استفاده کنند) حالا هرکدام از بچه‌ها یک عروسک میله‌ای دارند. از آنها بخواهید پشت میز مخفی شوند و به جای عروسک‌شان صحبت کنند، خودشان را معرفی کنند و با سایر شخصیت‌های عروسکی ارتباط بگیرند.

نکته: هدف از این کار به تکاپو انداختن بچه‌هاست. در مرحله‌ی اول تلاش می‌کنیم بچه‌ها را با بازی، وادار به تعامل با یکدیگر کنیم تا اگر خجالتی در درونشان دارند، بیرون بریزد. استفاده از عروسک این ویژگی را دارد که کودک تمثالی را به جای خود روی صحنه برده و بخش زیادی از خجالتش فرو می‌ریزد. وقتی او دیده نمی‌شود، راحت‌تر نمایش اجرا می‌کند و به جای عروسک صحبت می‌کند.

در ادامه از کاراکترهای عروسکی بچه‌ها بخواهید در مورد چیزهایی که باعث خجالت‌شان می‌شود صحبت کنند.

نکته: بیشتر بچه‌ها آنچه را که خودشان از آن خجالت می‌کشند را در دهان عروسک قرار می‌دهند. توجه داشته باشید که ما در کلاس قصه نویسی هستیم و هدفمان کنکاش در عادات رفتاری بچه‌ها و درمان آن نیست. ما صرفاً به این بهانه کودک را ترغیب به ساخت شخصیت و قرار دادن گزاره‌ی خجالت در وجود آن کردیم.

تمرین نمایش خلاق:

۱/ بچه‌ها را پای تخته بیاورید و از آنها بخواهید موقعیت‌هایی از شخصیت‌های خجالتی مختلف را بازی کنند. برای مثال:

- شیری که خجالت می‌کشد غرش کند.
- سنجابی که خجالت می‌کشد برای چیدن بلوط از خانه درختی خود بیرون بیاید.
- یک ماهی که خجالت می‌کشد سرش را از آب بیرون بیاورد و اطراف را نگاه کند.
- کلاغی که خجالت می‌کشد پیش بقیه پرنده‌ها قارقار کند.
- کودکی که فوتبالش خوب است، اما خجالت می‌کشد به بچه‌های کوچ‌تر بگوید که او را هم بازی بدهند.

• کودکی که خجالت می‌کشد در مراسم صبحگاهی مدرسه، قرآن بخواند.

۲/ بازی تقلید، می‌تواند برای کاهش احساس خجالت در بچه‌ها و همچنین افزایش خلاقیت و نشاط آن‌ها مفید باشد. بازی به این شکل است که بچه‌ها در یک خط یا دایره قرار می‌گیرند. نفر اول شکلکی در می‌آورد و نفر دوم باید آن را برای نفر بعدی انجام بدهد. این شکلک به همین صورت پیش می‌رود تا به نفر آخر برسد.

پیشنهاد می‌شود شروع کننده‌ی این بازی خودتان باشید تا هم شکلک‌های بازی کنترل شده باشد، هم بچه‌ها خجالت‌شان بریزد و حاضر به انجام این بازی شوند.

۳/ بچه‌ها رو به روی هم می‌نشینند. معلم در گوش هریک از آن‌ها یکی از حواسی که تا به حال یاد گرفتند (شادی، غم، خشم، محبت، ترس و خجالت) را می‌گوید و آن‌ها با حرکت صورت (بدون حرف زدن و حرکت دست و بدن) این حس را به نفر روبه‌رویی منتقل می‌کند.

کلاس اول - جلسه چهاردهم

درباره خجالت کشیدن قصه بنویس

صحبت کردن درباره‌ی احساسات به کودک کمک می‌کند تا آن را بهتر درک کرده و با حس درستی درباره‌ی آن گفت‌وگو کند. وقتی کودک یاد بگیرد در مورد احساساتش صحبت کند، در مدیریت و کنترل آن‌ها نیز موفق‌تر خواهد بود. خجالت کلید صحبت نکردن درباره‌ی احساسات است. اگر غول آن برای کودک شکسته شود، احتمالاً در مورد بقیه‌ی احساساتش نیز به سادگی سخن خواهد گفت.

در ابتدا قصه‌ای برای بچه‌ها بخوانید و از آن‌ها بخواهید در مورد حس خجالت موجود در قصه گفت‌وگو کنند. برای فعالیت فوق، می‌توانید به کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان مراجعه نمایید. همچنین از این قصه نیز می‌توانید استفاده کنید:

«زینب و مهسا دو دوست بودند که خانه‌ی آن‌ها کنار هم بود. گاهی با اجازه‌ی پدر و مادر به خانه‌ی همدیگر می‌رفتند. آن روز زینب به خانه‌ی مهسا آمده بود و باهم اسم فامیل بازی می‌کردند. کمی بازی کردند که مادر مهسا آمد و از بچه‌ها پرسید: «میشه منم با شما بازی کنم؟!» بچه‌ها با خوشحال گفتند: «بله» زینب یک خودکار به مادر مهسا داد و هر سه باهم مشغول بازی شدند. یک دفعه تلفن خانه زنگ خورد و مادر مهسا رفت تا جواب تلفن را بدهد. بعد از آن هم کاری برایش پیش آمد و دیگر به بازی برنگشت. او حواسش نبود و خودکار را با خودش برد. آن خودکار برای زینب، یک خودکار معمولی نبود. آن را از دخترخاله مرضیه هدیه گرفته بود. اما خجالت می‌کشید این را بگوید. فردای آن روز زینب فقط در فکر خودکار بود. مرتب با خودش کلنجار می‌رفت که قضیه را به مهسا بگوید یا نه. بالاخره تصمیمش را گرفت و ماجرا را گفت. خیلی سخت بود، اما هرطور شده شروع به صحبت کرد و گفت: «میگم ... دیروز ... تو خونه‌تون ... اسم فامیل بازی می‌کردم ... مامانت اومد .. خودکار ...» با شنیدن اسم خودکار مهسا حرفش را قطع کرد و گفت: «راستی خوب شد گفتی. خودکار! مامانم دیروز خودکار رو بهم داد تا بهت بدم. داشت یادم می‌رفت ها» مهسا خودکار را به زینب داد و او فهمید که در این مدت الکی این قدر نگران بوده است. حتی شاید اگر همان دیروز حرفش را می‌زد، زودتر به خودکارش می‌رسید.»

از بچه‌ها بخواهید درباره‌ی قصه گفت‌وگو کنند. سپس درباره‌ی آنچه خودشان از آن خجالت می‌کشند حرف بزنند. به آن‌ها بگویید اگر دوست داشته باشند، می‌توانند چندتا از مواردی که خجالت می‌کشند را برای بقیه تعریف کنند. پیشنهاد می‌شود در این مورد خودتان پیشگام باشید تا خجالت و استرس بچه‌ها بریزد.

تمرین:

۱/ نمایش خلاق: از بچه‌ها بخواهید یکی از قصه‌هایی که همه بلدند (مثلاً کدو قلقله زن) را بازی کنند. (اگر قصه را بلد نیستند، می‌توانید آن را برایشان تعریف کنید) از آن‌ها بخواهید بعضی از شخصیت‌های اصلی (مثلاً گرگ و ببر و شیر) را تبدیل به موجوداتی خجالتی کنند. نتیجه‌ی این تمرین اتفاقات بامزه‌ای را برای بچه‌ها رقم خواهد زد.

در انتها به بچه‌ها توضیح بدهید که صرفاً با جابه‌جایی احساسات شخصیت‌ها، می‌توان داستان را عوض کرد.

۲/ تصویر یک شخصیت را روی تخته نقاشی کنید و از بچه‌ها بخواهید با استفاده از او، قصه‌ای درباره‌ی خجالت کشیدن بسازند. سپس به آن‌ها بگویید قصه را با استفاده از سه نقاشی، روی کاغذ بیاورند.